یادداشت میهمان

تایتانیک آمریکا میان امواج مقاومت!

۱- رهبر معظم انقلاب در سخنان خود در عید قربان تصریح داشتند در ماه‌های اخیر «آمریکا و رژیم صهیونیستی با ابزار تحریف و آدرس غلط دادن در مورد ایران، دارند خودشان را خفه می‌کنند» و تلاش دارند «با صدها زبان و جنگ رسانه‌ای روحیه مردم و جوانان را تضعیف و القا کنند که ملت ایران باید با آمریکا کنار بیاید و مقاومت نکند، اما ملت ایران آمریکا را شناخته و می‌داند دروغ می‌گوید.»

۲- نه تنها ملت ایران متوجه این دروغ‌گویی‌های آمریکایی‌ها شده‌اند بلکه این دروغ‌گویی‌ها موجب تسریع در افول آمریکا نیز شده به طوری که بعد از جنبش وال‌استریت و حالا بعد از جنبش ضد بی‌عدالتی و سرمایه‌داری و اعتراضات گسترده ضد نژادپرستی در خیابان‌های ایالت‌های مختلف آمریکا، تجمع مقابل کاخ سفید به یک چالش بزرگ کاخ سفید تبدیل شده است که نه می‌توانند آن را سانسور و انکار کنند و نه می‌توانند مانع از آن شوند.

۳- تحلیلگران بین‌المللی و حتی اندیشکده‌های آمریکایی به وضوح دریافته‌اند که شعار اخراج آمریکایی‌ها از منطقه با یک عزم جدی در حال محقق شدن است. مارا کالین و کافمن ویتس در مقاله خود در فارن افرز با استدلال‌های فراوان اذعان می‌کنند «منافع باقی‌مانده آمریکا در منطقه معدود شده است و آمریکا مجبور است حضور خود در خاورمیانه (غرب آسیا) را کاهش دهد.» برخی از مراکز مطالعات امنیتی و اندیشکده‌های آمریکایی واروپایی نیز بر پایه استدلال‌های این مقاله عنوان کردند «کاهش نه، بلکه باید پایان دهد.» مارتین ایندایک نیز در روزنامه وال استریت ژورنال با اشاره به قدرت و ابتکار عمل جمهوری اسلامی در منطقه استدلال می‌کند که «محدود شدن منافع آمریکا در منطقه و خسارات احتمالی ارزشش را ندارد که وارد جنگ شویم.» دانیل بنیام و جک سالیوان هم در پایگاه اینترنتی فارن افرز بعد از اینکه اذعان می‌کنند «دیگر زمان جولان هزاران نظامی آمریکا در منطقه گذشته»، می‌گویند «گرایش به سوی مینیمالیسم(حداقل حضور آمریکا) در خاورمیانه گسترده شده و دوران اگزوتیسم یا غریبه‌گرایی به پایان رسیده است!» اندیشکده‌های سیا و پنتاگون با این مرثیه‌سرایی‌ها درخصوص کاهش نفوذ و حضور آمریکا در منطقه، به دنبال راهی برای جبران این شکست سیاسی- نظامی تاریخی واشنگتن هستند و ادعا کرده‌اند «آمریکا دیپلماسی واقعی را باید جایگزین ابزار نظامی در خاورمیانه کند.» لذا این نشان می‌دهد که چرا آمریکا در مقابل محور مقاومت و جمهوری اسلامی ناتوان از به‌کارگیری قدرت نظامی و نیازمند مذاکره است»! فارن افرز راه محدود کردن قدرت موشکی و فناوری ایران و برگشت توازن قوا را بعد از «جنگ‌های نیابتی» بدون نتیجه، «دیپلماسی نیابتی» و تحقق «مذاکره با حمایت آمریکا و بدون حضور آمریکا» از طریق نزدیک کردن عربستان به ایران عنوان کرده، که گمانه‌زنی‌های مربوط به میانجی‌گری احتمالی مصطفی الکاظمی در سفرهای برنامه‌ریزی‌شده به عربستان و ایران و آمریکا در همین راستا قابل ارزیابی است! ساقط کردن پیشرفته‌ترین و سری‌ترین پهپاد آمریکا (RQ Global Hawk) و استقرار سامانه پدافند هوایی سوم خرداد در سوریه که این پهپاد را در خلیج‌فارس سرنگون کرد، هدف قرار گرفتن پایگاه عین‌الاسد، نفوذ به تلفن همراه بنی گانتس وزیر دفاع اسرائیل، حملات سال گذشته به نفتکش‌ها در سواحل فجیره امارات و پالایشگاه‌های آرامکو و بقیق عربستان، شلیک مداوم موشک‌های گروه‌های مقاومت عراقی به پایگاه‌های نظامی آمریکا در این کشور و به نمایش گذاردن توانمندی موشک‌های کروز هدایت‌شونده در خلیج فارس و... روابط راهبردی ایران با چین و روسیه و عراق مصادیق رویایی و عجیب و غریبی برای جریان مقاومت در منطقه نیست و پیامدهای آنها علاوه بر غربی‌ها، ریاض و ابوظبی را هوشیار هم کرده که سیاست ترامپ و امثال ترامپ نه‌تنها نمی‌تواند منافع خود آمریکا را در منطقه حفظ کند، بلکه حاکمیت و تمامیت ارضی آنها را نیز در معرض تهدیدات موشکی و پهپادی قرار داده و باید مسیر دیگری در پیش گیرند و با این ارزیابی، تماس‌های غیرمستقیم با تهران و سفرهای مستقیم به روسیه و چین را در دستور کار خود قرار داده‌اند. با همه این داستان‌سرایی‌ها تحلیلگران غیروابسته به آمریکا تاکید دارند که راه پایان دادن به چالش‌های منطقه، نه حضور نظامی و نه حضور دیپلماسی آمریکا، بلکه دخالت نکردن آمریکا در منطقه است.

۴- بعد از حرکت اقتدارآمیز نفتکش‌های ایرانی به سوی ونزوئلا در مقابل چشم رادارها و ناوهای جنگی و جنگنده‌های آمریکایی و پهلوگرفتن موفقیت‌آمیز در سواحل آمریکای لاتین در آن سوی دنیا، ماجرای نفتکش «ام تی نوتیک» که ناگهان در سواحل فجیره امارات و از صفحه رادارهای منطقه ناپدید و بعد از چند روز در سواحل ایران رویت، و یا در سواحل لاوان و خارک ناپدید و در سواحل دیگر کشورها رویت می‌شود و یا با تغییر نام به «اسکای گلف» حتی ماهواره‌های جاسوسی آمریکایی و صهیونیستی هم نمی‌توانند آن را ردیابی و موقعیت‌سنجی کنند، حکایت از این دارد که اولا «انتقال کشتی به کشتی» و «تجارت بدون پهلو گرفتن» یک ابزار مهم پیچیده‌ای است که کشورهای تحت تحریم می‌توانند میلیون‌ها بشکه نفتَ را با دور زدن تحریم‌ها به سراسر جهان منتقل کنند بدون اینکه آمریکا و یا هر کشور دیگری بتواند آن را ردیابی کند! ثانیا نشان می‌دهد نفتکش‌ها می‌توانند در مالکیت شرکت یک کشور و خدمه آنها از کشور دیگری باشند، اما توسط شرکت کشور ثالثی اداره شوند و تحت پرچم کشور چهارمی تردد کنند! و بلافاصله یک رسانه‌ای در گوشه دیگری از جهان تیتر بزند «خدمه نوتیک در راه خانه»! این داستان، دنیای محموله‌های نفتی و نفتکش‌ها را به شدت مبهم و ردگیری آنها را به مراتب دشوار می‌کند. به همین دلیل شکایت حقوقی آمریکا از کشتی نوتیک به جایی نرسید و ناتوانی و عجز آمریکا و رژیم صهیونیستی را نشان داد تا جایی که موساد با اظهار درماندگی از پی بردن به چگونگی فعالیت و تردد این نفتکش، دست به دامن سایت‌های آنلاین به ظاهر مستقلِ ردیابی حمل‌ونقل نفتی مثل Tanker Trackers می‌شود»!

۵- اویخای ادرعی سخنگوی ارتش رژیم صهیونیستی در مصاحبه با کانال عربی‌زبان اسرائیل گفته «آنچه برای ناو آمریکایی در سن‌دیگو در سواحل کالیفرنیا روی داد بی‌سابقه بود و این احتمال قوی وجود دارد که عامل انفجار و آتش‌سوزی در آن یک گروه سیاهپوست در ارتش آمریکا باشند که از ایران الهام می‌گیرند.» ادعای بزرگ و اعترافی بزرگ‌تر است! سخن از به حرکت درآمدن یک گروه قدرتمند الهام‌گرفته از مقاومت در قلب ارتش آمریکا تحت عنوان «پلنگ‌های سیاه آمریکایی» است. اینکه این سخن چقدر واقعیت دارد باید منتظر آینده باشیم تا زوایای آن روشن‌تر و از ادعای سخنگوی ارتش اسرائیل رمزگشایی شود. اما بدون توجه به اینکه آینده چه پاسخی به ما خواهد داد، در گذشته پاسخی شفاف داده شده که «زمان بزن در رو تمام شده است»، از جمله سخنگوی نیروهای مسلح کشورمان اخیرا با اشاره به دروغ‌پراکنی‌های صهیونیست‌ها درخصوص حمله به مواضع ایران در سوریه، «شب موشکی» پس از حمله صهیونیست‌ها به پایگاه تی‌فور سوریه را رسانه‌ای کرد که چگونه با فرود ۵۰ فروند موشک در جولان اشغالی، نتانیاهو به وحشت افتاد و نتوانست رجزخوانی کند، چون نمی‌توانست حقایق «شب موشکی» را انکار کند. لذا آمریکا و صهیونیست‌ها پیام سخنان فرمانده سپاه قدس بعد از حادثه ناو عظیم‌الجثه آمریکایی در سواحل این کشور را به خوبی دریافت کردند که «روزهای سخت‌تری برای آمریکا و رژیم صهیونیستی در پیش است.» به قول روزنامه رای‌الیوم «ایرانی‌ها توانایی شگفت‌انگیزی در جنگ سایبری و جنگ اطلاعاتی- امنیتی و «مهار الکترونیکی» دشمنان خود دارند و تایتانیک آمریکا در منطقه برای غرق شدن آماده می‌شود»!

۶- با هدف قرار گرفتن ماکت ناو هواپیمابر نیمیتز-کلاس آمریکایی در خلیج فارس با موشک‌هایی که از عمق زمین شلیک شدند، و همچنین اصابت موشک‌های بالستیک، در نزدیکی دو پایگاه نظامی آمریکا در سواحل امارات و قطر، آمریکایی‌ها در عمل دیدند که «ما می‌توانیم» هر شناوری حتی ناو آمریکا را در منطقه به راحتی یک آب خوردن بزنیم و زدیم! پس باید هوشیار و مراقب باشند که به جای ماکت، موشک‌های بالستیک روی خود ناو قفل نشود. علاوه بر اینکه صهیونیست‌ها در وحشت انتقام سخت شهادت علی کامل محسن به سر می‌برند، به قول رسانه‌های منطقه «انتقام سخت مقاومت در سطوح مختلف نه تمام شده و نه هنوز درک شده است» و به فرمایش رهبری «جمهوری اسلامی شهادت شهید سلیمانی را فراموش نمی‌کند و قطعاً ضربه متقابل را به آمریکایی‌ها خواهد زد.»

۷- این حقایق نشان می‌دهد که «مشکل آمریکا با ایران این است که نه می‌تواند ما را حذف کند و نه می‌تواند تسلیم کند و اگر تحریف شکست بخورد، تحریم هم کاملا شکست خواهد خورد، زیرا جنگ اراده‌هاست.»

دکتر محمدحسین محترم

جروزالم پست:

رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی به‌دنبال تضعیف روابط ایران و چین هستند

جاشوا رابین مارکس، ستون‌نویس روزنامه صهیونیستی جروزالم پست در یادداشتی به بررسی تحلیل‌های شماری از اقتصاددانان و سیاستمداران درباره توافق ۲۵ ساله میان ایران و چین پرداخت.

مارکس نوشت، «کارن ای.یانگ» از محققان مؤسسه «آمریکن اینترپرایز» این توافق را ادامه توافق «همکاری جامع راهبردی» ایران و چین دانسته که در دیدار روسای جمهور ایران و چین در تهران در سال ۲۰۱۶ اعلام شده است.

جروزالم پست نوشت، چین بزرگ‌ترین واردکننده نفت خام در جهان است. میزان واردات نفت چین در ماه ژوئن امسال به ۵۳/۱۹ میلیون تن رسید که حدود ۳۴ درصد بیش‌تر از ماه مشابه در سال ۲۰۱۹ میلادی است. بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نفت چین عربستان سعودی است که در ماه ژوئن امسال ۸/۸۸ میلیون تن نفت خام به این کشور صادر کرده است. دیگر تأمین‌کنندگان نفت چین در حاشیه خلیج فارس شامل عمان، کویت و امارات متحده عربی هستند.

ستون نویس جروزالم پست در ادامه به اظهارات «هاوارد شاتز» اقتصاددان شرکت آمریکایی «RAND» درمصاحبه با مدیا لاین پرداخته و به نقل از او نوشت: «چین تمایل دارد روابط خوب خود با همه طرف‌ها در خاورمیانه را حفظ کند، در سرمایه‌گذاری، ایجاد یا تقویت زیرساخت‌های این کشورها سهیم باشد و بیش از پیش به خاورمیانه به‌عنوان محلی برای استقرار زیرساخت‌های ارتباطی خود و ایجاد یک جاده ابریشم دیجیتال، می‌نگرد».

به گفته شاتز، چین به‌خاطر گسترش همکاری‌های تکنولوژیک با رژیم صهیونیستی قصد ندارد این رژیم را با خود غریبه کند. با این حال عده‌ای از مسئولان رژیم صهیونیستی از قرارداد با چین نگران هستند.

مارکس در ادامه نوشت، آیا رد سرمایه‌گذاری چین در زیرساخت‌های تکنولوژی ارتباطی از سوی آمریکا، رژیم صهیونیستی، عربستان سعودی و امارات متحده عربی، می‌تواند توافق میان ایران و چین را تسهیل کند؟ وی در پاسخ به این سؤال به اظهارات «جان کالابریس» مدیر پروژه آسیا- خاورمیانه در «مؤسسه خاورمیانه» در واشنگتن اشاره کرد که در مصاحبه با مدیا لاین گفت، نتیجه چنین فشار چند جانبه‌ای نامشخص خواهد بود.

کالابریس در ادامه توضیح داد: «ممکن است تنظیم یا تحمل فشار اسرائیل و عربستان سعودی و امارات متحده عربی برای چین دشوار باشد. این کشورها در حال لابی کردن برای تضعیف، کند کردن و به‌نوعی تخریب توافق [با ایران] هستند».

در ادامه این یادداشت آمده است، تحلیل‌گران می‌گویند، چین رویکردی محتاطانه در قبال توافق‌های تجاری در پیش گرفته است تا بتواند روابط خوب خود با همه طرفین را حفظ کند و این سیاست خارجی می‌تواند درخصوص هرگونه توافق با ایران نیز صدق کند.

به گزارش فارس، مارکس به نقل از «رابرت موگیلنیکی» از محققین مؤسسه‌ای در واشنگتن با نام مجعول «کشورهای حاشیه خلیج عرب» مدعی شد: «کشورهای عرب حاشیه خلیج شرکای تجاری مطمئن‌تری نسبت به ایران هستند و چین نیز قرار نیست اثرگذاری خود بر منطقه را فقط به‌خاطر انداختن قایق نجات برای ایران به خطر اندازد».

وی به نقل از موگیلنیکی نوشت: «فارغ از این‌که رئیس‌جمهور ترامپ در ماه نوامبر پیروز شود یا خیر، این مسئله پابرجا خواهد بود. اگر رئیس‌جمهور ترامپ [در انتخابات] ببازد، خطرات ارتباط تجاری عمیق‌تر [چین] با ایران نیز ممکن است کاهش یابند.

جوابیه وزارت خارجه و پاسخ کیهان

روابط عمومی وزارت امور خارجه با انتشار اطلاعیه‌ای در پاسخ به یادداشت کیهان ۹۹/۵/۷ با عنوان «چه کسانی کره‌ای‌ها را گستاخ کردند؟» آورده است:

۱. اساساً هیچ‌گاه تماس تلفنی از سوی سخنگوی وزارت خارجه کره با سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران در سئول حاصل نشده و این ادعا از اساس نادرست است.

۲. ملاقات سفیر جمهوری اسلامی ایران در سئول با مدیرکل مسئول حوزه خاورمیانه بوده و در این ملاقات کمترین اشاره‌ای به اظهارات رئیس کل محترم بانک مرکزی نشده است.

۳. در پی این ملاقات، خبرگزاری کره‌ای یونهاپ خبری بی‌اساس مبنی بر احضار سفیر جمهوری اسلامی ایران منتشر و اظهاراتی را به سفیر منتسب کرد که طی اطلاعیه روابط عمومی وزارت امور خارجه در تاریخ ۳۱ تیر ماه اعلام شد: «متأسفانه خبرگزاری یونهاپ در اقدامی غیرحرفه‌ای، خبری بی‌اساس را منتشر کرده است. سفیر جمهوری اسلامی ایران در کره جنوبی به وزارت خارجه محل احضار نشده، بلکه دعوت شده است.»

۴. در دو سال گذشته، تامین دسترسی به منابع مالی بانک مرکزی در کره، دستور کار اصلی و محوری روابط با کره جنوبی بوده و در این راستا، علاوه بر پذیرش فرستاده ویژه این کشور، ده‌ها ملاقات در تهران و سئول با مقامات کره‌ای انجام شده است. بدیهی است که ماهیت وظایف وزارت امور خارجه اقتضاء می‌نماید که همه اقدامات خود را خبری نکند.

۵. وزارت امور خارجه طبق وظایف ذاتی خود، عمدتاً تسهیل‌کننده روابط خارجی و از جمله روابط اقتصادی با سایر کشورهاست و در راستای اجرای این مأموریت، در کنار سایر نهادهای کشور قرار دارد. بدیهی است این امر نافی یا جایگزین وظیفه ذاتی سایر نهادها نبوده و وزارت خارجه نمی‌تواند به جای آنها اقدام کند. به همین دلیل طرح دعوی علیه بانک‌های متخلف کره‌ای در محاکم صالحه، توسط نهادهای ذی‌ربط در دست پیگیری است و این موضوع توسط ریاست محترم بانک مرکزی اعلام شده است.

کیهان: در یادداشت روز کیهان ۷ مردادماه جاری با عنوان «چه کسانی کره‌ای‌ها را گستاخ کردند؟» به گستاخی دولت کره جنوبی و نمونه‌هایی از قانون‌شکنی دو شرکت «سامسونگ» و «ال‌جی» اشاره شده و آمده بود « اوایل سال ۹۷ و پس از اعمال تحریم‌های جدید آمریکا که در پی خروج ترامپ از برجام صورت گرفت زمزمه ترک بازار لوازم خانگی ایران از سوی دوقلوهای کره‌ای داغ شد و در نهایت هم این شرکت‌ها از ترس ارباب آمریکایی‌شان در ظاهر بازار ما را رها کردند. البته همه واقعیت این نبود بلکه این دو شرکت با یک تیر دو نشان زدند یعنی هم با خروج ظاهری از بازار ایران از جریمه‌های آمریکا مصون ماندند و هم از پرداخت عوارض گمرکی اندکی که به ما بابت واردات رسمی کالاهایشان می‌دادند فرار کردند. به عبارتی سامسونگ و ال‌جی باز هم به لطف حامیان داخلی‌شان سود سرشار بازار ایران را به جیب زدند فقط این‌بار از طریق قاچاق!». و در ادامه یادداشت به اقدام غیرقانونی دولت کره که مبلغ ۷ میلیارد دلار دارایی ایران را به بهانه تحریم‌های آمریکا بلوکه کرده و حاضر به بازگرداندن آن نیست، پرداخته و از قول آقای همتی رئیس کل بانک مرکزی آمده بود که «اگر بانک‌های کره‌ای به توافقات بین‌المللی خود با ما پایبند نباشند، ما این حق را داریم که تحت قوانین بین‌المللی به اقدامات قانونی روی آوریم و ما مقامات کره جنوبی را در این فرآیند مسئول می‌دانیم».

در یادداشت کیهان آورده بودیم که دولت کره به اظهارات جناب همتی اعتراض کرده ولی سفیر جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به اعتراض سخنگوی وزارت خارجه کره اظهار داشته است که نظر آقای همتی موضع رسمی دولت ایران نیست!

وزارت امور خارجه کشورمان این خبر را که از سوی خبرگزاری رسم دولت کره «یونهاپ» منتشر شده بود، تکذیب کرده است و توضیح داده است که «متأسفانه خبرگزاری یونهاپ در اقدامی غیرحرفه‌ای، خبری بی‌اساس را منتشر کرده است. سفیر جمهوری اسلامی ایران در کره جنوبی به وزارت خارجه محل احضار نشده، بلکه دعوت شده است.»!

گفتنی است موضوع مورد انتقاد کیهان، اظهارات سفیر کشورمان در پاسخ به مقام وزارت خارجه دولت کره است که گفته بود؛ اظهارات آقای همتی موضع رسمی دولت ایران نیست! ولی جوابیه وزارت خارجه در این خصوص ساکت است و تنها به این اکتفا کرده است که سفیر ایران احضار نشده بلکه دعوت شده است! و حال آن که موضوع انتقاد کیهان اظهارات غیرمسئولانه سفیر است و نه احضار و یا دعوت از ایشان!

از سوی دیگر خبرگزاری یونهاپ، خبرگزاری رسمی دولت کره جنوبی است و چنانچه وزارت خارجه کشورمان خبر آن خبرگزاری را کذب و غیرواقعی می‌داند، باید رسماً اظهارات سفیر درباره موضع آقای همتی را تکذیب کند و نه اینکه احضار سفیر و یا دعوت از ایشان را به مناقشه بکشد!

خبر ویژه

نقش برخی بانک‌ها در احتکار و گران‌کردن مسکن

نقش‌آفرینی منفی برخی بانک‌ها در آشفته‌بازار مسکن، مورد توجه و هشدار کارشناسان قرار گرفته است.

خبرگزاری ایرنا از قول نایب‌رئیس اتحادیه املاک تهران نوشت: در حالی که دولت تلاش می‌کند مسکن از کالای سرمایه‌ای به مصرفی تبدیل شود، چند بانک با هدف افزایش سرمایه خود با ساخت واحدهای لوکس و با متراژ بزرگ و احتکار آن، قیمت‌های خانه در مناطق مختلف شهر را بالا می‌برند.

وزارت راه و شهرسازی همزمان با شناسایی بخش اعظمی از خانه‌های خالی به بانک‌هایی رسیده که سال‌های طولانی در خلأ اجرای قانون مالیات بر خانه‌های خالی، واحدهایی لاکچری ساخته و وارد بازار نکرده‌اند.

معاونت مسکن وزارت راه به تازگی اعلام کرده که ۱۰۰۰ واحد مسکونی در اختیار یک بانک است که سال‌های طولانی خالی مانده است و بخشی از سهام این بانک در اختیار دولت و بخشی هم در اختیار بخش خصوصی است.

«حسام عقبایی» نایب رئیس اتحادیه املاک تهران درباره فعالیت بانک‌ها در حوزه مسکن، گفت: براساس قانون بانکداری، فعالیت بانک‌ها در حوزه اموال غیرمنقول اعم از ساخت و خریدوفروش خانه، ویلا، زمین و هر نوع ملکی ممنوع است اما در یک دهه گذشته بانک‌ها وارد عرصه ساخت و ساز ملک شدند. بسیاری از بانک‌های دولتی و خصوصی اکنون صاحب واحدهای مسکونی هستند و حاشیه سود بسیار بالایی که در حوزه خرید و فروش ساختمان وجود دارد، دلیل آن است.

وی گفت: برای مثال از اسفند سال گذشته تاکنون سرمایه هزار میلیاردی یک بانک در حوزه مسکن به دو برابر رسیده است که در این مدت با فعالیت بانکداری نمی‌توانست به چنین سودی دست یابد.

عقبایی با تأکید بر اینکه فعالیت بانک‌ها در خرید و فروش و ساخت‌وساز اموال غیرمنقول ممنوع است، گفت: بانک‌ها هلدینگ‌های مختلفی راه انداخته‌اند علاوه بر هلدینگ مسکن اکنون شاهد فعالیت بانک‌ها در هلدینگ کالا و کالای تجاری هستیم که آن نیز خلاف قانون است.

نایب‌رئیس اتحادیه املاک تهران گفت: اکنون بانک‌ها نه تنها بنگاه‌داری می‌کنند بلکه عاملی در جهت رشد قیمت مسکن شده‌اند.

خبرگزاری ایلنا هم از قول خسروی رئیس اتحادیه مشاوران املاک نوشت: بخشی از خانه‌های خالی متعلق به بانک‌ها و شرکت‌های دولتی است.

مصطفی قلی خسروی درباره این افزایش قیمت مسکن اظهار داشت: به غیر از موضوع بازارهای موازی اثرگذار بر بازار مسکن، مهم‌ترین عامل افزایش قیمت مسکن کمبود عرضه است. در کنار کمبود عرضه، با احتکار مسکن هم مواجه هستیم. هرگز مالکان خرد نمی‌توانند عامل احتکار باشند و به طور قطع بخشی از خانه‌های خالی متعلق به بانک‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت است.

بی‌انضباطی مالی دولت و بانک‌ها عامل اصلی افزایش نقدینگی تورم‌زا

یک کارشناس اقتصادی می‌گوید علت اصلی رشد نقدینگی و تورم حاصل از آن، بی‌انضباطی مالی دولت و بانک‌هاست.

وحید شقاقی شهری درباره رشد بی‌سابقه نقدینگی به «تابناک» گفت: سه عامل در چند سال گذشته موجب رشد نقدینگی شده و یا به عبارت بهتر موتور رشد نقدینگی بوده؛ کسری بودجه دولت و تامین آن از طریق استقراض از بانک مرکزی و نظام بانکی، بالا بودن نرخ سود بانکی و خلق پول توسط بانک‌ها به‌دلیل ناترازی در ترازنامه.

عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی ادامه داد: برای جلوگیری از رشد نقدینگی، باید اول جلوی کسری بودجه دولت گرفته شود و دولت از دست‌درازی به منابع بانک مرکزی و نظام بانکی خودداری کند. دوم نرخ سود بانکی باید کاهش یابد چون زمانی که نرخ سود بانکی را افزایش می‌دهید، رشد نقدینگی ایجاد می‌شود و شما دوباره باید نرخ سود بانکی را افزایش دهید که این نقدینگی به سمت بازارهای دیگر سرازیر نشود و این چرخه اشتباه مدام تکرار می‌شود. سوم باید جلوی خلق نقدینگی توسط بانک‌ها گرفته شود و بانک مرکزی باید در اینجا به‌صورت جدی ورود کند. ناترازی در نظام بانکی بالاست و دارایی‌ها با بدهی‌های نظام بانکی همخوانی ندارد. بانک‌ها برای پوشش ناترازی شروع به خلق پول می‌کنند.

شقاقی گفت: وقتی شاهد رشد بالای نقدینگی در اقتصاد هستیم باید چالش‌های گوناگونی چون افزایش قیمت دارایی‌های مختلف، افزایش قیمت کالاها و خدمات و... را تجربه کنیم. به عبارت بهتر، ریشه افزایش نرخ تورم، همین رشد بالای نقدینگی است. زمانی که ما از یک‌سو رشد نقدینگی ۳۴ درصدی را شاهد هستیم و از سوی دیگر شاهد نرخ رشد اقتصادی منفی ۷ درصدی در سال گذشته بودیم، عملاً این شکاف بین نرخ رشد نقدینگی و نرخ رشد اقتصادی، به تورم در بازار تبدیل می‌شود. پیش‌بینی این است که با این وضعیت باید شاهد نرخ تورم حداقل بیش از ۳۴ درصدی در سال جاری باشیم.

«آیا هدایت این نقدینگی به سمت بازار سرمایه، فرصت است یا تهدید؟».

شقاقی شهری در پاسخ به این پرسش گفت: هدایت نقدینگی به سمت بورس زمانی فرصت است که بازار اولیه توسعه پیدا کند و این بدان معناست که داریم از نقدینگی در جهت رشد تولید استفاده می‌کنیم. متأسفانه چون بازار اولیه توسعه پیدا نکرد، آمدن نقدینگی به بورس باعث شد که بازار ثانویه توسعه پیدا کند و این مسئله به انتظارات تورمی و افزایش نرخ تورم در سایر بازارها دامن زد.

این حرف‌ها را چرا در انتخابات ۹۲ و ۹۶ به مردم نگفتید

عضو مجمع روحانیون ادعا کرد حمایت اصلاح‌طلبان از حسن روحانی، انتخاب میان بد و بدتر بوده است!

ناصر قوامی عضو فراکسیون مشارکت در مجلس ششم درباره اظهارات اخیر روحانی به نامه‌نیوز گفت: «اینکه آقای روحانی در سخنان گفته‌اند که زندگی مردم در حداقل ضرورتشان به خوبی اداره شده است یا آنکه گفته‌اند کالاها به وفور در اختیار مردم قرار دارد، نشان از بی‌اطلاعی آقای رئیس‌جمهور از وضع مردم دارد. یک بزرگی یک بار به من گفت خودت به خرید می‌روی؟ گفتم بله خودم می‌روم و احساس می‌کنم که چه هزینه‌های سنگینی بر مردم تحمیل می‌شود. آقای روحانی که خودش به خرید نمی‌رود و نمی‌داند که صرف وجود کالا کافی نیست و باید مردم قدرت خرید داشته باشند.»

او می‌افزاید: «دولت خود را از مردم جدا کرده و اکنون که دیگر آقای روحانی خود را نیازمند رای مردم نمی‌داند برای او اهمیتی ندارد مردم در چه سطحی زندگی می‌کنند. واقعیت این است که مردم برای آقای روحانی هیچ اهمیتی ندارند. مردم این روزها به شدت احساس نارضایتی می‌کنند و تصور می‌کنند رها شده‌اند. یک کارگر که ماهی ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان درآمد دارد، چه‌طور می‌تواند تمام کالاهای ضروری زندگی‌اش را تأمین کند؛ به‌خصوص با وضعیت تورمی که ایجاد شده است.

اگر مسئولان قدری به واقعیت زندگی مردم نزدیک شوند، متوجه خواهند شد که اتفاقا زندگی مردم در حد ضرورات اصلا به خوبی اداره نمی‌شود.»

قوامی اظهار کرد: «دولت باید پاسخ دهد که از چه منبعی می‌خواهد وام ۵۰ میلیونی ودیعه مسکن را تأمین کند؟ آیا می‌خواهد اسکناس چاپ کند؟ و در این صورت به عواقب تورمی آن اندیشیده است؟ دولت در اداره امور ناتوان شده و نمی‌تواند یک تصمیم بهنگام و درست بگیرد، نمی‌تواند به اوضاع اقتصادی سامان دهد.»

قوامی درباره این که آیا بعد از گذشت این سال‌ها از حمایت خود از روحانی پشیمان است یا خیر، گفت: «ما بین بد و بدتر روحانی را انتخاب کردیم؛ هرچند در سال ۹۲ من مخالف حمایت از روحانی بودم اما به دلیل حمایت آقای خاتمی از او ما هم حمایت کردیم. در آن زمان اولویت مطرح شده برداشتن سایه جنگ از سر کشور بود و واقعا هم این اتفاق رخ داد و حتی در دولت اول آقای روحانی انعقاد برجام رخداد بسیار مهمی بود. اما در ادامه با خارج شدن آمریکا از برجام اوضاع تغییر کرد و روحانی و دولتش هم هیچ تلاشی برای سامان دهی اوضاع نکردند.»

تعبیر «انتخاب میان بد و بدتر» درباره روحانی در حالی است که اولاً اصلاح‌طلبان هم در سال ۹۲ و هم سال ۹۶ ادعا می‌کردند دولت مورد حمایت آن‌ها شق‌القمر می‌کند و از طریق روحانی به اقتصاد کشور رونق می‌دهند. اما بر اساس بسیاری از شاخص‌های اقتصادی، عملکرد دولت برجام به مراتب بدتر از عملکرد دولت ماقبل آن است و اصلا عملکرد ضعیف این دولت با عملکرد دولت قبل از خود قابل مقایسه نیست. جالب این که خاتمی به عنوان رئیس شورای اجرایی مجمع روحانیون، خواستار رای دوباره به روحانی در سال ۹۶ با شعار «تکرار می‌کنم»، شده بود و برادر وی نیز گفته بود ما اصلاح‌طلبان، تضمین روحانی هستیم.

ثانیاً افراطیون مدعی اصلاح‌طلبی امثال عارف و جهانگیری را در گود انتخابات داشتند اما با این وجود از روحانی حمایت کردند؛ بی آن که در تبلیغات سال ۹۲ یا ۹۶ به مردم بگویند بین بد و بدتر، از روحانی حمایت می‌کنیم.

اما درباره برداشته شدن سایه جنگ از سر کشور نیز گفتنی است که سایه تهدید و ناامنی را سردار شهید سلیمانی و همرزمان او از سر کشور دور کردند وگرنه دشمن در جنگ نیابتی تا پشت مرزهای ایران پیش آمده بود. دولت اوباما در حالی این تهدید را پشت مرزهای ما فربه می‌کرد که پای میز مذاکره و توافق (به ادعای روحانی برد- برد) نشسته بود.

این نکته هم عبرت‌انگیز و درس‌آموز است که مدعیان اصلاح‌طلبی نه درباره روحانی و هاشمی و نه خاتمی و عارف و سایر فعالان سیاسی، هرگز جانب ادب و احترام را رعایت نکرده و به وقتش با ادبیات توهین‌آمیز درباره این افراد سخن گفته‌اند و در مراحلی جز نگاه نردبانی و اجاره‌ای، نگاه دیگری نداشته‌اند.

گفت و شنود

سلمونی!

گفت: تعدادی از روزنامه‌های زنجیره‌ای که بزک آمریکا و برجام را برای خودشان از نان شب واجب‌تر می‌دانند، این روزها بدجوری به توافق ایران و چین بند کرده و هر روز علیه آن یادداشت و گزارش می‌نویسند!

گفتم: ولی کمترین نتیجه این توافق دور زدن تحریم‌ها و رونق تجارت آزاد است و به همین علت جیغ آمریکا را به آسمان بلند کرده است.

گفت: کاش این روزنامه‌ها فقط به این سؤال جواب می‌دادند که نظر آنها درباره توافق ایران و چین با نظر رسماً اعلام شده آمریکا و اسرائیل و انگلیس چه فرقی دارد؟! انگار یک روح در دو بدن هستند!

گفتم: یارو عکس خودش را توی آیینه دید و با تعجب گفت: قیافه این یارو خیلی برایم آشناست! نمی‌دونم کجا دیدمش، بعد از چند دقیقه گفت؛ آهان فهمیدم، هفته قبل که رفته بودم سلمونی روبروم نشسته بود!

نکته

آدرس غلط بعد از غرق مصنوعی!

غرق مصنوعی -waterboarding- یکی از ترفندهای رایج در عملیات روانی است. واژه غرق مصنوعی از نوعی شکنجه که در آمریکا و انگلیس رایج بوده و هنوز هم هست گرفته شده است. آمریکایی‌ها از غرق مصنوعی یا القای حس خفگی برای اعتراف گرفتن از چریک‌های «خمر سرخ» در کامبوج و اعتراف‌گیری از اسرای طالبان در بازداشتگاه مخوف گوانتانامو استفاده می‌کردند. با این توضیح که زندانی را برهنه کرده و روی یک تخت چوبی می‌بستند به گونه‌ای که سر زندانی پائین‌تر از پاها باشد و سپس پارچه‌ای روی صورتش می‌گذاشتند و با فاصله‌های کوتاه جریان تند آب را روی پارچه می‌ریختند. زندانی در این حالت احساس می‌کرد که در حال خفه شدن است و شماری از آنان برای نجات جان خود به خواسته شکنجه‌گران تن می‌دادند! آمریکایی‌ها از این ترفند به گونه‌ای دیگر و با همان هدف القای حس خفگی در عملیات روانی نیز استفاده می‌کنند. آمریکا در حوزه عملیات روانی علیه ایران اسلامی، همه تلاش خود را به کار می‌گیرد تا شرایط کشورمان را غیرقابل تحمل و مشکلات را صدها برابر از آنچه که هست سخت‌تر و شکننده‌تر جلوه بدهد به گونه‌ای که مردم احساس کنند به پایان راه رسیده‌اند! یعنی همان غرق مصنوعی و حس خفگی! انسانی که احساس می‌کند در حال غرق‌شدن است به هر وسیله‌ای که در آن احتمالی از نجات هست چنگ می‌زند (الغریق یتشبث بکل حشیش- شخص که در حال غرق‌شدن است {برای نجات خود} به هر خس و خاشاکی چنگ می‌زند).

حالا به این نکته از بیانات حکیمانه و راهگشای اخیر حضرت آقا توجه کنید: «امّا آن مسئله اوّل که تضعیف روحیه مردم و ضعیف‌کردن نشاط و تحرّک و امید مردم است، از اوّل انقلاب بوده. از اوّل انقلاب، خط ثابت دشمن همین بود که خطاب به مردم ایران، به وسیله تلویزیون‌ها، رادیوها -البتّه آن وقت محدودتر بود، حالا که دیگر وسیع هم شده و انواع و اقسام راه‌های ارتباطی وجود دارد- به مردم ایران تفهیم کنند که بیچاره شدید، دیگر مثلاً کارتان تمام است و هیچ کاری از عهده کسی برای شما برنمی‌آید، اوضاعتان خراب است و غیره».

**دشمن اگر ترفند خود را موثر ببیند و احساس کند که توانسته است مردم را به ناامیدی بکشاند، مرحله دوم این ترفند را به صحنه می‌آورد و خواسته خود را به عنوان راه خروج مطرح می‌کند. یعنی «آدرس غل